

اوجالان و تسريع روند كنار گذاشتن سلاح حزبيش

در تاريخ ۹ ژوئيه ۲۰۲۵، ويدئويي از عبدالله اوجالان، رهبر حزب كارگران كُردستان، منتشر شد كه در آن تعهد مي‌دهد روند كنار گذاشتن سلاح توسط حزبيش را تسريع كند. او گفت: «در چارچوب پايبندی به وعده‌هايي كه داده‌ايم، بايد سازوكاري براي كنار گذاشتن سلاح ايجاد شود كه به پيشرفت روند منجر گردد و مبارزه مسلحانه به‌طور داوطلبانه پايان يافته و وارد مرحله قانون‌مداري و سياست دموكراتيک شويم».

به‌نظر مي‌رسد حزب او كه در ۱۲ مه ۲۰۲۵ به دعوت او به انحلال خود و كنار گذاشتن سلاح پاسخ مثبت داده بود، در روند خلع سلاح تعلل ورزيده است؛ امري كه آزادي او از زندان را به تأخير انداخته است. گويي درون حزب نيروهايي مخالف وجود دارند كه با تعلل خود موضوع را معلق نگاه داشته‌اند؛ زيرا مذاكرات محرمانه بين دو طرف از سال ۲۰۰۹ آغاز شده و سپس متوقف شده بود و اوجالان نگران است كه بار ديگر اين روند متوقف شود و همچنان در زندان باقي بماند، زيرا هدف اصلي‌اش منافع شخصي خودش است. او آشكارا از هدي كه براي آن از سال ۱۹۸۴ قيام مسلحانه خود را آغاز كرده بود، اعلام برائت كرد و گفت: «حزب از هدف تشكيل دولت ملي صرف‌نظر كرده و در نتيجه از استراتژي جنگ نيز دست برداشته است. در شرايط تاريخي كنوني اميد مي‌رود پيشرفت بيشتري حاصل شود».

به همين دليل خواستار تسريع روند خلع سلاح شد و گفت: «در مورد كنار گذاشتن سلاح، راهكارهاي مناسب تعيين شده و اقدامات عملي سريعي در پيش گرفته خواهد شد» براي تحقق اين هدف افزود: «در حال حاضر كميتي‌اي در مجلس تركيه در حال تشكيل است تا فرآيند خلع سلاح به‌طور داوطلبانه و در چهارچوب قانون انجام شود و اين امر بسيار مهم است... ضروري است كه گام‌هاي برداشته شده حساس و دور از منافع تنگ‌نظرانه باشد» اوجالان در اين سخنان به منتقدان و معترضان اشاره مي‌كند و منطق آن‌ها را «تنگ‌نظرانه» مي‌داند. وي افزود: «اين گام را نشانه حسن نيت مي‌دانم و به آن باور دارم. ايمان من به سياست و صلح اجتماعي است، نه سلاح. شما را دعوت مي‌كنم كه اين اصل را عملي كنيد». در اينجا او به صراحت تأكيد مي‌كند كه بايد روند اجرائي توافقات تسريع شود تا فرصت خود را براي اثبات رهبري بر پيروانش و نيز شانس آزادي از زندان كه از سال ۱۹۹۹ در آن به سر مي‌برد، از دست ندهد.

آنچه اين موضوع را تأييد مي‌كند اين است كه سخnerاني اوجالان توسط خبرگزاري «فرا» كه به حزب او نزديك است در تاريخ ۱۹ ژوئن ۲۰۲۵ ضبط شده اما در ۹ ژوئيه ۲۰۲۵ منتشر شده است و اين نشان مي‌دهد انتشار آن تا زماني كه تأخير افتاده كه واكنش عملي از سوي اعضا و رهبري حزب ديده شود، زيرا نشانه‌هاي تعلل و كندى در اجرا آشكار شده بود؛ بنابراین اعلام اوجالان و همچنين حزبيش فعلاً ارزش عملي نداشته و ماجرا همچنان در حد وعده‌اي بي‌اجرا باقي مانده است.

در همين راستا، همان خبرگزاري اعلام كرد كه در اقدامي نمادين، گروهى متشكل از ۳۰ نفر از اعضاي حزب از جمله ۴ نفر از رهبران در ۱۱ ژوئيه ۲۰۲۵ در سلیمانیه عراق تعدادی سلاح را نابود کردند؛ اين مراسم با حضور نمايندگان سازمان اطلاعات تركيه، دولت اقليم كُردستان عراق، حزب اتحاديه ميهنی كُردستان و حزب مساوات و دموكراسي خلق‌ها (كه واسطه ميان دولت تركيه و اوجالان است) برگزار شد.

ابراهيم قالين، رئيس سازمان اطلاعات تركيه، نيز در ۸ ژوئيه ۲۰۲۵ به بغداد سفر كرد و با مقامات عالي‌رتبه عراقي ديدار نمود تا درباره ابعاد لجستيكي روند خلع سلاح گفتگو كند؛ اين را يك مقام عراقي به خبرگزارى فرانسه اطلاع داد.

در اين ميان، تركيه حزب كارگران كُردستان را به تعلل متهم كرده و خواهان تسريع روند خلع سلاح شده است. رئيس‌جمهور تركيه، رجب طيب اردوغان، در ۶ ژوئيه ۲۰۲۵ گفت: «تلاش‌هاي صلح، زماني سرعت خواهد گرفت كه اين سازمان تروريستي اجرائي تصميم خود براي كنار گذاشتن سلاح را آغاز كند» هيئتي از حزب مساوات و دموكراسي خلق‌ها نيز در ۷ ژوئيه ۲۰۲۵ با اوجالان و روز بعد با اردوغان و با حضور ابراهيم قالين ديدار كرد. اردوغان پس از انتشار تعهد اوجالان مبني بر تسريع روند خلع سلاح حزبيش گفت: «در آستانه مرحله‌اي جديد هستيم كه اخبار مثبتي در روزهاي آينده خواهيم شنيد. اميدواريم اين روند در کوتاه‌ترين زمان، با موفقيت و بدون هيچ حادثه يا خرابكاري به پايان برسد».

در حال حاضر آمریکا که نفوذ زیادی در منطقه دارد، هیچ پروژه‌ای برای تشکیل دولت کُردی ندارد؛ چنان‌که با تأسیس آن در شمال عراق مخالفت کرد و به خودمختاری بسنده نمود. از همین رو، آمریکا تلاش می‌کند سازمان «قسد» که رهبری آن را ملی‌گرایان کُرد بر عهده دارند منحل و در نظام سوریه به ریاست احمد الشرع ادغام کند. اوجالان نیز به این موضوع پی برده است؛ کسی که سال‌ها برای منافع آمریکا کار می‌کرد و این کشور نیز او را علیه ترکیه زمانی که حکومت در دست عوامل انگلستان بود به کار گرفت؛ اما امروز آمریکا بر وحدت ترکیه که اکنون به رهبری اردوغان در مدار سیاست‌هایش حرکت می‌کند، تأکید دارد؛ کسی که خود را دوست و متحد آمریکا معرفی می‌کند.

ترکیه نیز به شدت فشار می‌آورد تا این پرونده را ببندد تا اردوغان بتواند به عنوان یک دستاورد تاریخی بزرگ برای ترکیه، پایان دادن به شورش مسلحانه قومی کُردها و ادغام ملی‌گرایان کُرد در فعالیت سیاسی کشور را به نام خود ثبت کند؛ موفقیتی که می‌تواند برای جلب آرا به منظور حمایت از نامزدی دوباره او در انتخابات ریاست‌جمهوری با تغییر قانون اساسی که اکنون مانع از شرکت او در سومین دوره یا برگزاری انتخابات زودهنگام است به کار آید. اردوغان می‌کوشد دوران پایانی خود را با این دستاوردها به پایان برساند؛ درحالی‌که زندگی و حکومتش سراسر نافرمانی از الله سبحانه و تعالی ست و نظام کفرآلود سکولار دموکراتیک را اجرا می‌کند. با این حال، بسیاری از ساده‌دل‌ها و ناآگاهان فریب شعار او درباره اجرای تدریجی اسلام را خوردند؛ همان‌طور که در موضوع حمایت از فلسطین نیز آنان را فریب داد و امروز غزه بیش از ۲۱ ماه است که سلاخی و نابود می‌شود و او حتی یک گلوله یا یک لقمه نان یا جرعه‌ای آب برای مردمش نفرستاده، بلکه همچنان به روند عادی‌سازی روابط با رژیم صهیونیستی ادامه داده است. آنچه برایش اهمیت دارد، منافع ملی تنگ‌نظرانه ترکیه و منافع شخصی خود اوست تا در قدرت باقی بماند، آن‌هم با حمایت آمریکا که اجازه نمی‌دهد هیچ تهدیدی متوجه رژیم صهیونیستی پایگاه اصلی‌اش در منطقه باشد.

از سوی دیگر، اوجالان که برای حزبش اندیشه‌های سکولاریسم و سوسیالیسم را پذیرفته، عجله دارد که از زندان آزاد شده و وارد فرایند سیاسی شود یا در نقش هدایت‌گر پیروانش ایفای نقش کند تا عطش زعامت و سروری شخصی‌اش را سیراب نماید؛ چراکه او و امثال او با اهداف ملی‌گرایانه و وطنی، سرانجام شورش‌ها و انقلاب‌هایشان به گرفتن منصب و قدرت ختم می‌شود؛ همان‌گونه که درباره رهبران انقلاب‌های ملی‌گرایانه رخ داد، انقلاب‌هایی که استعمار برای ضربه زدن به دولت خلافت عثمانی به راه انداخت و سرانجام آن را به کشورهای کوچک تجزیه کرد و عوامل خود را که مروج ملی‌گرایی و وطن‌پرستی بودند، بر رأس قدرت این دولت‌ها نشاند و کسانی را که پیرو آنان بودند نیز به همین راه کشاند.

در این زمینه، سخنی مستنیر و روشن در کتاب «تکتل حزبی» از حزب‌التحریر آمده است که توصیفی دقیق از روشنفکرانی دارد که افکار بیگانه چون سکولاریسم و دموکراسی و سوسیالیسم را پذیرفته‌اند: «بنابراین، او جز از طریق تقلید از بیگانه نمی‌داند چگونه می‌توان امت را به حرکت آورد... احساساتش به‌خاطر مبدأ برانگیخته نمی‌شود، بلکه برای وطن و ملت برانگیخته می‌شود و این احساس، احساسی نادرست است... او برای کشورش قیام درستی نمی‌کند و برای ملت، فداکاری کامل انجام نمی‌دهد... اگر فرض کنیم که قیام کند و خواهان بیداری باشد، این قیام یا بر اثر ضربه‌ای که به منافعش وارد شده، صورت می‌گیرد، یا یک قیام تقلیدی از قیام ملت‌های دیگر است... که چندان دوام نمی‌آورد و با رفتن آن ضربه یا رسیدن به یک منصب یا ارضای تمایلاتش، یا هنگام آسیب‌دیدن منافعش، خاموش می‌شود».

در نتیجه، قیام و بیداری واقعی امت تنها با مبدأ اسلامی و وجود دولتی که آن را اجرا و این رسالت را برای آزادسازی همه مردم از افکار و اندیشه‌های باطل و تعصبات قومی و ملی حمل کند، تحقق خواهد یافت.

برگرفته از شماره ۵۵۷ جریده الرایه